



شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن کریم

پدیدآورده (ها) : کورکور کشکلی، مصطفی؛ مینایی پور، مرضیه
علوم قرآن و حدیث :: بلاغ مبین :: بهار و تابستان 1397 - شماره 54 و 55
از 159 تا 190
آدرس ثابت : <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1411222>

دانلود شده توسط : مرکز مشاوره
تاریخ دانلود : 18/02/1398

مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) جهت ارائه مجلات عرضه شده در پایگاه، مجوز لازم را از صاحبان مجلات، دریافت نموده است، بر این اساس همه حقوق مادی برآمده از ورود اطلاعات مقالات، مجلات و تألیفات موجود در پایگاه، متعلق به "مرکز نور" می باشد. بنابر این، هرگونه نشر و عرضه مقالات در قالب نوشتار و تصویر به صورت کاغذی و مانند آن، یا به صورت دیجیتالی که حاصل و بر گرفته از این پایگاه باشد، نیازمند کسب مجوز لازم، از صاحبان مجلات و مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی (نور) می باشد و تخلف از آن موجب پیگرد قانونی است. به منظور کسب اطلاعات بیشتر به صفحه [قوانین و مقررات](#) استفاده از پایگاه مجلات تخصصی نور مراجعه فرمائید.



پایگاه مجلات تخصصی نور

www.noormags.ir

شاخصه‌های سبک زندگی اسلامی از منظر قرآن کریم

مصطفی کورکورکشکلی^۱

مرضیه مینایی پور^۲

چکیده

در این پژوهش مهم‌ترین شاخصه‌های سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته است. بخش نخست به ویژگی‌های سبک زندگی همسران پرداخته و مشخص شده است که سبک زندگی مورد عنایت اسلام برای همسران دارای شاخصه‌هایی از جمله مودت، نیک رفتاری، حقوق مداری، و تأمین نیازها، تفاهم و توافق و مشورت، شکیبایی و بردباری، بخشش و گذشت، همکاری در خانواده و نفی خشونت می‌باشد. در بخش میانی شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سبک حل اختلافات خانوادگی از منظر قرآن کریم مورد بررسی قرار گرفته، و به عوامل اختلاف از جمله؛ بدخلقی، سحر، نشوز، اعراض، بخل و ... اشاره شده و راه‌حل‌های قرآن کریم و اهل بیت (ع) مطرح شده است. سپس به شاخصه‌های

۱ دانشجوی گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم قم

mostafa.korkor@yahoo.com

۲ دانش آموخته دانشگاه ادیان و مذاهب قم

سبک زندگی والدین و فرزندان و حقوق و نیازهای والدین در جنبه‌های مختلف پرداخته شده، و سپس مهم‌ترین نیازها و حقوق فرزندان که از جمله حق تربیت صحیح در مراحل گوناگون زندگی آنان می‌باشد، مطرح شده است. و در فصل پایانی سبک ارتباط با خویشاوندان به معنای صلہ رحم، مصادیق صلہ رحم، پرداخته است.

واژگان کلیدی: سبک زندگی، خانواده، همسران، والدین، فرزندان، خویشاوندان، حل اختلاف

مقدمه

رفتار و گفتار انسان برخاسته از نوع نگاه و بینش و فهم و درک هستی می‌باشد. انسان همانگونه زندگی می‌کند که به زندگی نگاه می‌کند و روابط و مناسبات هر فرد با دیگران برگرفته از بینش و نگرش اوست و تا زمانی که نگاه و بینش، فهم درک افراد اصلاح نشود، انتظار اصلاح عملکرد و روابط آن‌ها انتظاری دور از واقع است.

لذا برای افراد، خانواده و جامعه‌ای سالم، در درجه نخست باید بینش‌های فرد اصلاح شود که در سایه آن، ارزش‌ها و تمایلات او نیز شکل گرفته یا تغییر می‌یابد، نوع نگاه به زندگی، ازدواج، طلاق، همسر، فرزند، مدیریت خانواده، روابط مشترک و... در زندگی خانوادگی نقش مهمی بازی می‌کند. این که زن و مرد پیوند زناشویی را امری مقدس بدانند یا خیر و یا اینکه خدمتگزاری به خانواده را ارزش بدانند یا ضد ارزش، خود عاملی جدی در تعیین سرنوشت خانوادگی انسان است. آخرت‌گرایی یا دنیازدگی، انصاف‌گرایی یا بی‌انصافی، اخلاق‌گرایی یا

بی‌اخلاقی، نظم‌گرایی یا بی‌بندوباری، زیبایی‌گرایی یا بی‌توجهی به زیبایی، ساده‌زیستی یا تجمل‌پرستی اموری است که می‌تواند سرلوحه تمایلات و مطالبات زندگی انسان قرار بگیرد.

از این رو آنچه مهم به نظر می‌رسد این است که، نوع نگاه به خانواده و مسائل پیرامون آن، ارزش‌های حاکم بر آن، تمایلات افراد خانواده و روش‌هایی که برای رسیدن به اهداف آن به کار گرفته می‌شود بر اساس اصولی شکل بگیرد و الگو برداری شود که این مهم‌ترین و اصیل‌ترین نهاد اجتماعی در مسیری سالم، پر نشاط و بالنده قرار گیرد تا زمینه را برای کمال فرد و جامعه فراهم کند. طبیعی است که برای رسیدن به یک هدف از مسیرهای مختلف می‌توان عبور کرد و به روش‌های گوناگون متوسل شد؛ ولی عاقلانه آن است که برای رسیدن به هر هدفی از راه مناسب آن وارد شد و بهترین، آسان‌ترین و کوتاه‌ترین راه و روش را به کار گرفت.

و نکته آخر این است که اسلام کامل‌ترین برنامه‌ای است که برای تنظیم حیات و روابط انسان از طرف خداوند متعال و برترین بنده‌اش، حضرت محمد (ص) نازل شده است که قلمرو آن محدود به مسائل عبادی و فردی نمی‌شود بلکه تمام عرصه‌ی زندگی انسان را فرا می‌گیرد چرا که برنامه‌ی ارائه شده توسط قرآن مطابق، فطرت و سرشت آدمی است و به همین جهت جاودانه و فراگیر است و در صورتی که به دستوراتش به نحو کامل عمل شود سعادت دنیوی و اخروی انسان‌ها را تأمین می‌کند. بر این مبنا به آموزه‌های قرآن و پیام‌آور آیات نورانی آن و معلمان راستین و صادق این آموزه‌ها یعنی اهل بیت (ع) رجوع کرده و کمی از یم دریای بی‌کران آن‌ها را به قلم آورده‌ایم امید است این نوشتار بدان چه آنان راه نمودند راهنما باشد.

۱. مودت و رحمت

یکی از شاخصه‌های سبک زندگی همسران مودت و رحمت می‌باشد، قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ يَتَفَكَّرُونَ» (روم / ۲۱)

«مودت» از ماده‌ی «ود» به معنای دوست داشتن چیزی و آرزوی بقای آن است (راغب اصفهانی، ص ۵۱۶) و تفاوت مودت و محبت در این است که مودت، معلول و حاصل محبت و جلوه‌ی آن است؛ محبت علاقه و مودت اظهار آن علاقه است (عابدی، ۱۳۸۴: ص ۲۵) و چون «مودت» مصدر بر وزن مُفَعَّلَةٌ است، بر ثبات، دوام، قوت و شدت تأثیر فعل دلالت می‌کند. بنابراین مودت عبارت است از محبت پایدار و ماندگار همراه با به‌کارگیری لوازم و وسایلی که به ظهور آن بیانجامد و علاقه‌های قلبی را آشکار سازد (عابدی، ۱۳۸۴: ص ۲۵) «رحمت» مهربانی و رقتی است که مقتضی احسان و بخشش باشد (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۱۹۱) مودت و رحمت در روابط و مناسبات خانوادگی نقش اساسی دارد و هرچه مودت و رحمت عمیق‌تر و گسترده‌تر باشد زندگی خانوادگی از آرامش و لذت توانایی و رشد بیشتر برخوردار خواهد بود؛ مودت و رحمتی معتدل و معقول و لطیف و انسانی (در روایات متعدد نسبت به دوست داشتن‌های برخاسته از تعلقات پست و محبت‌های افراطی هشدار داده شده و از آن‌ها پرهیز داده شده است، چنانچه که در حدیث نبوی آمده است: «ان اول ما عصى الله عزو جل به ست حب الدنيا و حب الرياسة و حب الطعام و حب النوم و حب الراحة و حب النساء؛ نخستین چیزهایی که خداوند به آن‌ها عصبان شد، شش چیز است دوستی دنیا، دوستی ریاست، دوستی خوراک، دوستی زنان، دوستی خواب و دوستی راحتی (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۲۸۹). هر چه مودت و رحمت عمیق‌تر باشد توان و تحمل افراد بیشتر می‌شود و هر چه گسترده‌تر باشد رفتارها مناسب‌تر می‌گردد و هر چه انسان‌ها در مراتب انسانی بالاتر روند و جودشان لطیف‌تر و رحمتشان بیشتر می‌شود

و گسترده‌تر جلوه می‌یابد. امام صادق (ع) می‌فرماید: «مِنْ اخْلَاقِ الْأَنْبِيَاءِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِمْ حُبُّ النِّسَاءِ»؛ دوست داشتن زن از خلق و خوی پیامبران است. هر چه انسان‌ها در مراتب کمال بالاتر روند و به مدارج بالاتری از ایمان برسند، مودت و رحمتشان نسبت به همسر و خانواده بیشتر جلوه می‌کند، چنانکه در حدیث نبوی آمده است «كُلَّمَا أَزَادَ الْعَبْدُ إِيمَانًا أَزَادَ حُبًّا لِلنِّسَاءِ»، هرگاه ایمان بنده‌ای زیاد شود، محبتش نسبت به زن (همسر) زیاد می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۸۳: ج ۲، ص ۹۰)، در نگاه پیشوایان دین میان ایمان به خدا و دوست داشتن انسان‌ها به طور کلی و عشق و علاقه به همسر رابطه تنگاتنگ است؛ چنان که هر کس خدا دوست‌تر باشد، همسر دوست‌تر است این امر را چنان مهم و اساسی دیده‌اند که آن را با دوستی خود پیوند زده‌اند، چنانکه از امام صادق (ع) روایت شده است: «كُلُّ مَنْ أَشْتَدَّ لِلنِّسَاءِ حُبًّا»؛ هر که محبتش به ما (اهل بیت پیامبر) افزون شود محبتش به زن (همسر) زیاد می‌شود. (ادریس حلی، ۱۴۱۰: ص ۱۵۹) و دوستی اهل بیت دوست داشتن کمالات حقیقی است و همسر دوستی نیز از همین سنخ است و همان‌طور که عشق به کمالات حقیقی منشأ رشد و تعالی و بارش رحمت الهی است، و همسر دوستی نیز چنین است. در سایه نگاه‌های محبت‌آمیز زن و شوهر خداوند به دیده‌ی رحمت به آنان می‌نگرد و در سایه‌ی همین نگاه رحمانی است که ایمان به خداوند و محبت اهل بیت در دل انسان افزایش می‌یابد. خانواده پایگاه کمالات انسانی است و اساس این امر مودت و محبت در خانواده است. زندگی بدون مودت و رحمت ویران‌کننده‌ای بیش نیست که از آن روح و ریحانی نروید و صلاح سامانی برنخیزد، از این روست که مناسبات و روابط مودت‌زا و محبت‌آمیز سخت به مورد تأکید پیشوایان دین است، تا جایی که نشستن در کنار خانواده برتر از اعتکاف در مسجدالنبی شمرده شده است. و از پیامبر اکرم (ص) روایت شده است: «جُلُوسُ الْأُمْرَةِ عِنْدَ عِيَالِهِ أَحَبُّ إِلَيَّ اللَّهُ تَعَالَى مِنْ اِعْتِكَافٍ فِي مَسْجِدِي هَذَا»؛ نشستن مرد در کنار همسرش، نزد خدای متعال از اعتکاف در این مسجد من محبوب‌تر است (ابن فراس حلی، بی تا: ج ۲، ص ۱۲۱). روابط

محبت‌آمیز نزد زن و مرد، مطلوب خداوند و گنجینه‌ای گران‌قدر است گنجینه‌ای که اصل وجود آن پربها و بهره‌برداری درست از آن در تنظیم روابط خانوادگی کارسازترین اسباب است. روابط عاشقانه در درون خانواده ضامن بسیاری از سلامت‌ها و امنیت‌ها است، از این رو بزرگان دین سفارش کرده‌اند که چنین روابطی در خانواده نمایان و جلوه‌گر باشد. امام صادق (ع) فرموده است: «أَلَا غَنَىٰ بِالزَّوْجَةِ فِيمَا بَيْنَهَا وَ بَيْنَ زَوْجِهَا الْمُؤَافَقِ لَهَا عَنْ تَلَاثِ خِصَالٍ وَ هُنَّ إِظْهَارُ الْعِشْقِ لَهُ بِالْخِلَابَةِ»؛ زن در روابط میان خود و شوهر همدلش از سه خصلت بی‌نیاز نیست که یکی از آن‌ها اظهار عشق به شوهر با دلربایی است. (اشعث کوفی، بی تا: ص ۱۸۷).

۲. نیک رفتاری و سازگاری

شاخصه بعدی سبک زندگی همسران نیک رفتاری و سازگاری است قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء / ۱۹) «با آنان به نیکویی رفتار کنید. و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی‌آید در حالی که خدا خیر کثیری در آن نهاده باشد.» یکی از مزایای بندگان شایسته خداوند حسن اخلاق است و کسی که خوش اخلاق باشد با مردم رفتاری نیکو دارد، با چهره خندان سخن می‌گوید رفتارش و گفتارش با ملایمت و نرمی توأم است و بهترین مرکز جلوه‌ی نیک رفتاری انسان محیط تالطفکم باهلی؛ شایسته‌ترین مردم از نظر ایمان خوش اخلاق‌ترین آنان و مهربان‌ترین آنان با خانواده‌اش است و مهربان‌ترین شما با خانواده‌ام هستم (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: باب ۳۱، ح ۱۰۹). حسن سلوک و رفتار با اهل خانه چه زیبا، مهم و گران‌قدر است که پیامبر خاتم (ص) با تمام صفات کمال، آن را به خود منسوب می‌نماید و خود را از این جهت برترین نیز می‌داند. قرآن کریم می‌آموزد

که چون انسان همسر می‌گزیند، به نیک رفتاری هم متعهد می‌گردد. تشکیل خانواده و نیک رفتاری با همسر لازم و ملزوم یکدیگرند، از امام صادق (ع) روایت شده است: «أَذَا أَرَادَ الرَّجُلُ أَنْ يَتَزَوَّجَ الْمَرْأَةَ فَلْيَقُلْ أَقْرَبْتُ بِالْمِيثَاقِ الَّذِي أَخَذَ اللَّهُ أَمْسَاكُ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ» (مرد هنگامی که زنی را به همسری خود درمی‌آورد باید بگوید؛ من به عهد و پیمانی که خداوند از من گرفته است اقرار می‌کنم (و آن عهد و پیمان این است): یا با نیکویی زن را نگاه دارید یا (در صورت ناچاری) به نیکویی جدا شوید. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۵، ص ۵۰۲، ح ۵) نیک رفتاری با همسر پیمانی است در زندگی مشترک و چون کسی پذیرای پیوند مشترک شود به رفتار نیک متعهد می‌گردد و حق نقض این پیمان الهی را ندارد. سخن نقل شده از حضرت امام رضا بیانگر این حقیقت است: «لَمَّا تَزَوَّجَ الرَّضَاعُ ابْنَتَهُ الْمَأْمُونِ خَطَبَ لِنَفْسِهِ فَقَالَ زَوْجُنِي ابْنَتُهُ عَلَيَّ مَا فَرَضَ اللَّهُ عَزُّ وَجَلُّ لِلْمُسْلِمَاتِ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَمْسَاكٍ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٍ بِإِحْسَانٍ»؛ هنگامی که حضرت رضا (ع) با دختر مأمون ازدواج کرد فرمود: مأمون دختر خودش را به همسری من درآورد و خدای عزوجل برای زنان مسلمان بر مردان مؤمن واجب کرده است که زنان را به نیکی نگاهدارند یا در صورت ناچاری به نیکویی جدا شوند (طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۲۰۵). در آموزه‌های دین نیک رفتاری با خانواده چنان والا مرتبه است که آثار و نتایج آن تنها به سامان دادن زندگی خانوادگی محدود نمی‌شود بلکه آثار و نتایج روحی و روانی آن بر خود شخص و نیز در نظام تکوین درخور توجه است امام صادق (ع) در رابطه با این جمله حدیثی دارند که می‌فرمایند: «مَنْ حَسَنَ بَرَّهُ بِأَهْلِهِ فِي عُمُرِهِ»؛ هر کس با خانواده‌اش نیک رفتار باشد خداوند بر عمرش بیفزاید (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۸، ص ۲۱۹).

نیک رفتاری در قرآن اهمیت زیادی دارد به طوری که اصل مهم برشمرده شده است و در هیچ شرایطی نباید از آن عبور کرد و رفتار نیکو را نباید از زندگی زدود در هر شرایطی چه بیماری، سلامتی، خوشی، ناخوشی در شرایط عادی و غیرعادی و همیشه رفتار نیکو را حفظ

کنیم. «فَأَنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا» پس با دشواری آسانی است، آری با دشواری آسانی است. معمولاً وقتی انسان‌ها در ناخوشی و تنگی و نداری و بیماری قرار می‌گیرند زمینه دوری از نیک رفتاری در آنان تقویت می‌شود، ولی قرآن کریم فرمان می‌دهد در چنین شرایطی نیز خانواده از آسیب کج خلقی و بد رفتاری در امان بماند و مرد و زن با یکدیگر و نسبت به فرزندان نیک رفتاری را پاس بدارند و حتی شرایط زندگی مشترک ممکن است به گونه‌ای گردد که زن و مرد نسبت به یکدیگر گرفتار احساسات نامطلوب شوند. این امر آنان را در معرض تهدید زیر پا گذاشتن رفتار نیکو قرار می‌دهد، ای جاست که قرآن به نیک رفتاری حکم می‌دهد و حفظ آن را در هر شرایطی الزامی می‌داند و گرنه نیک رفتاری در شرایط عادی هنری والایی نیست و حتی قرآن کریم می‌فرماید: حتی در ناملایمات هم با هم نیک رفتاری کنید حتی آنجا که زندگی مشترک به بن‌بست رسد با نیک رفتاری از هم جدا شوید (طلاق / ۱-۲) قرآن کریم نیک رفتاری را تا آنجا ضروری دانسته است که حتی اگر به سبب برخی امر میان زن و شوهر بی میلی پیش آمد با مدارا و سازگاری مناسب آن را از سر بگذرانند و با بروز این امور نظام خانواده را آسیب نزنند و سرسختانه رفتار نکنند در این آیه اشاره شده که: «فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء / ۱۹) «پس چه بسا چیزی را دوست نمی‌دارید و خداوند در آن مصلحت فراوان قرار می‌دهد»

این آیه گذشته از آن که بیانگر واقعیتی در زندگی خانوادگی است و این که زندگی مشترک می‌تواند دستخوش مشکلاتی شود و لازم است آن مشکلات با مدارا و سازگاری حل گردد، نویدی اساسی است که در پی این مدارا و سازگاری، نعمت‌ها و برکت‌هایی برای چنین کسان از جانب خدا است. قرآن می‌آموزد که اگر مردان از همسران خود رضایت کامل نداشته باشند و به سبب اموری، ناخوشایندی در آنان پیش آمد، به سوی جدایی میل نکنند و بد رفتاری ننمایند، بلکه مدارا و سازگاری پیش گیرند تا روابط اصلاح شود و برکات خدا شاملشان

گردد، به ویژه آن که بسیاری از مشکلات و اختلافات معلول بد فهمیدن‌ها و سوءظن‌های بی‌دلیل و حُب و بغض‌های بی‌جهت است و قضاوت‌هایی که در این شرایط صورت سرگیرد غالباً نادرست می‌باشد به گونه‌ای که خوبی‌ها در نظرشان بدی و بدی‌ها در دیده‌شان خوبی جلوه می‌کند و آنچه نجات‌بخش و راهگشاست مدارا و سازگاری است که در پرتو آن با گذشت زمان حقایق آشکار می‌شود و روابط به سوی سلامت مجرا می‌یابد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، صص ۳۲۰-۳۲۱)

این انتظار که زندگی خانوادگی خالی و اختلاف نظر و سلیقه و به دور از مشکل و گرفتاری باشد، انتظاری خلاف واقع است و آنچه مهم است رویارویی صحیح با اختلافات و مشکلات است. از قواعد مهم برای رویارویی و دامن زدن به اختلافات و مشکلات و کاستن آن‌ها و زدودنشان مدارا و سازگاری است که این‌گونه رفتار کردن زمینه‌ساز خوشبختی خانوادگی است. از این روست که بهترین همسران آنان‌اند که اهل مدارا و سازگاری‌اند و در شیرینی و لطافت زندگی خانوادگی را با اندک ملایمت و اختلاف به تلخی و درگیری نمی‌کشاند و با بروز مشکلات آن را با مدارا به سمت اصلاح پیش می‌برند. و پیامبر در توصیف زنان فرمود: بهترین زنانان، زن همسر دوست زاینده و سازگار و همراه است که پروای الهی داشته باشد، و بدترین زن‌ها زن خودنمای متکبر است.

۳. تفاهم و توافق مشورت

شاخصه بعدی سبک زندگی همسران مشورت می‌باشد قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «فَإِنْ أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَ تَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا» (بقره/ ۲۳۳) «پس هرگاه والدین خواستند با رضایت و مشورت فرزند خود را از شیر بگیرند ایرادی ندارد». یکی دیگر از اصول و شاخصه‌های قرآنی یک زندگی خانوادگی که همسران باید به آن توجه کنند شاخصه

مشورت است. البته طبیعی است که هر کس خواسته‌ها و نظریه‌های مخصوص به خود را داشته باشد و دو همسر، دارای خواسته‌ها و نظریه‌های متعارض باشند؛ اما در بسیاری از موارد همسران می‌توانند با همفکری و مشورت به تفاهم و توافق رسیده و خواسته‌ها و نظریات خود را هماهنگ کنند و از تعارض آن‌ها بکاهند. بنابراین بهترین راه‌حل برای حل اختلافات خانوادگی و پیشبرد اهداف زندگی و تصمیم‌گیری برای آینده خانواده، این است که زن و شوهر همفکری صمیمانه و همدلی داشته خیرخواه یکدیگر باشند یکدیگر را درک کنند و درباره‌ی دلیل‌ها و نظریات یکدیگر بی‌اندیشند. هوس‌ها و خودخواهی‌ها را کنار بگذارند و هر دو به حکم عقل گردن نهند، به ویژه که در خانواده مسائلی پیش می‌آید که ارتباط بسیاری با زن دارد و اگر مرد خود به تنهایی و بدون توجه به نظر همسرش، درباره‌ی آن تصمیم بگیرد مشکلاتی در خانواده به وجود خواهد آمد.

خداوند علاوه بر تعبیر «تشاوری» در آیه مذکور، در آیه‌ی دیگر با تعبیر «اتتمار» به رعایت این شاخصه فرمان می‌دهد و آنجا که درباره‌ی زنان مطلقه فرمان می‌دهد: «وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَآتَمِرُوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَتْرَضِعْ لَهُ الْأُخْرَىٰ» (طلاق / ۶) «و اگر آبستن بودند، نفقه‌شان را بدهید تا وضع حمل کنند. و اگر فرزند شما را شیر می‌دهند، مزدشان را بدهید و به وجهی نیکو با یکدیگر توافق کنید. و اگر به توافق نرسیدید، از زنی دیگر بخواهید که کودک را شیر دهد.»

قرآن کریم در موضوع شیر دادن نوزادان لطایفی را مطرح کرده است که در روابط خانوادگی راه‌گشاست حق دو سال شیرخوارگی از آن مادران است و مدت شیر دادن طفل لازم نیست حتماً دو سال باشد و دو سال برای کسی است که بخواهد دوران شیرخوارگی را کامل نماید

و مادران حق دارند با توجه به وضع طفل و سلامت او دیگر ملاحظات خانوادگی این مدت کاهش دهند. ولی این امر باید با صلاح‌دید و همفکری و توافق پدر و مادر صورت گیرد. گرچه مادر مجبور نیست نوزاد را شیر بدهد، بنابراین هر وقت بخواهد می‌تواند از دادن شیر به آن خودداری کند ولی بهتر است در جهت رشد و سلامت کودک و مصالح آتی او، از برخی خواسته‌های خود بگذرد و با تفاهم و توافق با همسر به تصمیمی درست برسند و قرآن کریم با تعبیر «تراضی» و «تشاوری» یعنی یکدیگر را راضی نگه‌داشتن و با هم مشورت کردن را مناسب را نشان داده است. در همچنین مسائلی و مسائل خانوادگی مشورت زن و شوهر کاری پسندیده از منظر قرآن کریم است و قرآن کریم بنای اساسی زندگی مشترک مشورت و تفاهم است (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۲، صص ۱۳۲-۱۳۴)

موضوع مشاوره در قرآن کریم و روایات از اهمیت خاصی برخوردار است تا جایی که پیامبر با قطع نظر از وحی الهی و فکر نیرومندی که در اختیار داشت با دیگران به مشورت می‌پرداخت و از جانب خداوند نیز بدین کار مأمور شده بود لذا گاه نظر دیگران را ترجیح می‌داد با اینکه مشکلاتی از این ناحیه حاصل می‌شد، تا الگو و اسوه‌ای برای مردم باشد و آنان را به اهمیت مشورت متوجه سازد و از سوی دیگر نیروی فکر و اندیشه را در افراد پرورش می‌دهد چرا که برکات مشورت از زیان‌های احتمالی آن بیشتر است. و خداوند این‌گونه رسولش را مورد خطاب قرار می‌دهد: «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ» (آل عمران / ۱۵۹) «به سبب رحمت خداست که تو با آنها این چنین خوش‌خوی و مهربان هستی. اگر تندخو و سخت‌دل می‌بودی از گرد تو پراکنده می‌شدند. پس بر آنها ببخشای و برایشان آموزش بخواه و در کارها با ایشان مشورت کن و چون قصد کاری کنی بر خدای توکل کن، که خدا توکل کنندگان را

دوست دارد.» وقتی که پیامبر این گونه مورد خطاب قرار می‌گیرد بر زن و شوهر نیز لازم است که زن و شوهر نیز در مسائل زندگی با هم مشورت کنند و به توافق برسند زن و شوهری که دارای سلاقی مختلف فهم و عقیده متفاوت بوده و از مهارت‌های گوناگونی برخوردارند لازم است که در مقام مشورت یکدیگر را کمک کرده. و از همدیگر بهره نمایند و مشورت با دیگران دارای موانع و لوازمی است از جمله نفی خودمداری، فروتنی، نفی لجاجت و.. است که در صورت نیاز به ذکر آن‌ها پرداخته می‌شود. (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ج ۳، ص ۲۸۴)

۴. شکیبایی و بردباری

شاخصه بعدی سبک زندگی همسران از دیدگاه قرآن کریم شکیبایی و بردباری در سختی‌های پیش روی آنان است و لذا می‌فرماید: «وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۶-۹۷) «و آنان را که شکیبایی ورزیدند پاداشی بهتر از کردارشان خواهیم داد هر زن و مردی که کاری نیکو انجام دهد، اگر ایمان آورده باشد زندگی خوش و پاکیزه‌ای بدو خواهیم داد و پاداشی بهتر از کردارشان عطا خواهیم کرد.»

از جمله ستون‌های پابرجایی، دوام و استحکام و کمال زندگی خانوادگی، شکیبایی و بردباری است و زندگی خانوادگی همچون دیگر عرصه‌های زندگی خالی از فراز و فرود و سختی و گرفتاری و منهای اختلاف نظر و سلیقه نیست. بلکه به دلیل تنگاتنگی روابط در زندگی خانوادگی این امور برای اعضای خانواده تأثیر جدی می‌گذارد و اگر زن و مرد بخواهند فارغ

از شکیبایی و بردباری راه زندگی مشترک راه طی کنند، به مشکلات بسیار دچار می‌شوند و پیوسته در تنش و کشاکش فرو می‌روند از این رو لازم است زن و مرد در زندگی خانوادگی نسبت به هم و در رویارویی با مسائل و مشکلاتی که پیش می‌آید شکیبا و بردبار باشند. البته این امر به معنای زندگی اجباری و روابط تحمیلی نیست، زیرا در این صورت آسیب‌دیدگی حاصل از اجبار و تحمیل، در دیدگاه‌ها و احساسات و روابط زن و مرد شکاف‌های عمیق و پرنشدنی ایجاد می‌کند اما شکیبایی و بردباری در موارد یاد شده لازمه‌ی زندگی انسان و مایه‌ی پیوند و نزدیکی و مرکب عبور از تنگناها و دشواری‌هاست.

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اصْبِرُوا وَصَابِرُوا» (آل عمران / ۲۰۰) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید شکیبایی کنید؛ و با هم پایداری ورزید»

زندگی خانوادگی نیازمند شکیبایی و بردباری مشترک است آن هم به دور از بی‌تابی و شکایت و آه و ناله؛ «ذَلِكَ صَبْرٌ لَيْسَ فِيهِ شَكْوَى إِلَى النَّاسِ» آن صبری است که در آن نزد مردم شکوه‌ای نیست. (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۹۳)

بی‌گمان هیچ زندگی مشترکی بدون این یار و یاور بادوام نیست و به اهداف مورد نظر خانواده نمی‌رسند و زن و شوهری که از شکیبایی و بردباری بهره‌مندند از نتیجه‌ای گران‌بها برای توفیق در زندگی مشترک برخوردارند. همسران با صبوری کردن می‌توانند گرده‌های زندگی مشترک را بگذرانند و از تنگناها به سلامت عبور کنند و بهترین وسیله برای رویارویی با مشکلات و ناملازمات، شکیبایی و بردباری است و بدون آن نمی‌توان به خوشی و شادمانی دست یافت. در خبری از عیسی (ع) آمده است: «انَّكُمْ لَا تُذْرِكُونَ مَا تُحِيُونَ إِلَّا بِصَبْرِكُمْ عَلَىٰ مَا تُكْرَهُونَ»؛ شما به آنان چه دوست دارید نخواهید رسید، مگر با شکیبایی در برابر آنچه ناخوش می‌دارید (شهید ثانی، ۱۴۱۵: باب ۲، ص ۴۲)

خداوند در قرآن کریم درباره‌ی مشکلات خانوادگی میان زن و شوهر و ناخوشی‌هایی که ممکن بود پیش آید می‌فرماید: «وَ عَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ فَعَسَى أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَ يَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا» (نساء / ۱۹) «با آنان به نیکویی رفتار کنید. و اگر شما را از زنان خوش نیامد، چه بسا چیزها که شما را از آن خوش نمی‌آید در حالی که خدا خیر کثیری در آن نهاده باشد.» زندگی خانوادگی در پرتو شکیبایی و بردباری به ثمر می‌نشیند و پر و بار می‌دهد و گرنه پیوسته همراه رنج و تلخ‌کامی خواهد بود.

شکیبایی یاد شده شامل شکیبایی در همه مسائل زندگی اعم از مشکلات روانی و جسمی و روحی و گرفتاری‌های زندگی؛ چه اقتصادی و عاطفی و ... می‌باشد. شکیبایی بر نامالایمات حاصل از خلق و خوی‌ها و بردباری در برابر کج‌خلقی‌ها و بدخوی‌ها، ممکن است گاهی خلق و خوی یکی از دو همسر برای دیگری ناخوشایند باشد و شاید علی‌رغم همه خوبی‌ها یکی از دو همسر کج‌خلق و بدخوی باشد و شاید هم مسائلی پیش آید که باعث کج‌خلقی یکی از آن دو شود در این موارد چاره شکیبایی و بردباری است و دارای ثمرات اخروی و دنیوی هستند. پیامبر اکرم (ص) فرموده است: «مَنْ صَبَرَ عَلَى سُوءِ خُلُقِ امْرَأَتِهِ أَعْطَاهُ أَيُّوبَ عَلَى بَلَاتِهِ وَمَنْ صَبَرَتْ عَلَى سُوءِ خُلُقِ زَوْجِهَا أَعْطَاهَا مِثْلَ ثَوَابِ آسِيَةِ بِنْتِ مُرَّاحِمٍ»؛ هر مردی که در برابر بدخلقی همسرش شکیبایی ورزد خداوند همان ثوابی را به او می‌دهد که به ایوب (ع) در قبال گرفتاری‌اش عطا کرده، و هر زنی که در برابر بداخلاقی همسرش شکیبایی ورزد خداوند ثواب آسیه دختر (مراحم) را به او می‌دهد (طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۲۱۳) و چنین شکیبایی و بردباری منشأ گشودن درهای رحمت الهی می‌باشند. امام باقر (ع) می‌فرماید: «مَنْ احْتَمَلَ مِنْ امْرَأَتِهِ وَ لَوْ كَلِمَةً وَاحِدَةً أَعْتَقَ لَهَا رَقَبَتَهُ مِنَ النَّارِ وَ أَوْجَبَ لَهُ الْجَنَّةَ»؛ هر که بداخلاقی همسرش را، هر چند به اندازه یک کلامه تحمل کند و شکیبایی ورزد خداوند گردن او را از آتش آزاد سازد و بهشت را بر او واجب گرداند (طبرسی، ۱۳۷۰: ص ۲۱۶). این رحمت و

برکت زمینه کمال و دستیابی به مراتب والای انسانی را فراهم می‌کند. لازم به تذکر است که مراد از صبری که این چنین دارای ثواب است و ثمراتی در دنیا و آخرت دارد صبر جمیلی است که دور از شکایت و آه‌وناله نزد دیگران و بازگویی کردن حوادث و مشکلات خانوادگی که گاهی باعث عمیق‌تر شدن این مشکلات می‌گردد.

۵. بخشش و گذشت

شاخصه بعدی سبک زندگی از نظر کلام وحی بخشش و گذشت از خطاهای یکدیگر است قرآن کریم می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنِّ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا لَكُمْ فَاحْذَرُواهُمْ وَإِنَّ تَعَفُّوًا وَتَصَفُّحًا وَتَغْفِرًا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ» (تغابن: ۱۴) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، بعضی از زنان و فرزندان شما دشمن شما هستند. از آنها حذر کنید. و اگر عفو کنید و چشم پوشید و گناهشان پوشیده دارید، خدا آمرزنده و مهربان است.»

قرآن کریم پیروان خود را در روابط انسانی به بخشش و گذشت نسبت به یکدیگر فراخوانده است؛ چرا که همه‌ی انسان‌ها در معرض خطا و اشتباه هستند و کمتر کسی دیده می‌شود که حقی از او در زندگی خانوادگی یا اجتماع ضایع نشده باشد و دیگران حرمت او را نشکسته باشند. بنابراین بدون بخشش و گذشت، پیوندی باقی نمی‌ماند و ادامه زندگی انسان ناممکن می‌گردد. زیرا اگر هیچ یک انسان‌ها بخشش و گذشتی نکنند و در حق و حقوق خود سختگیری باشند زندگی تلخ خواهد شد و روح صفا و صمیمیت در خانواده رخنه می‌بندد و همکاری در خانواده غیرممکن خواهد بود و اگر کسی خواهان این است که خدا از گناهانش بگذراند و لغزش‌هایش را نادیده بگیرد و او را ببخشد باید خود نسبت به دیگر افراد اینگونه باشد: «لِيَعْفُوا وَيَصْفَحُوا أَلَّا تُجِبُونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ» (نور/ ۲۲) «باید

بخشند و گذشت نمایند آیا دوست ندارید خداوند از گناهان شما درگذرد؟ و خدای
آمرزگار مهربان است.»

این ذهنیت که زندگی خانوادگی فارغ از بخشش و گذشت راه به مقصود می‌برد، ذهنیتی
نادرست است زیرا اگر در مقابل هر حق‌شکنی رفتاری متقابل صورت گیرد خانواده پیوسته
در کشاکش و رقابت خصمانه گرفتار خواهد بود و به جای دوستی و علاقه، دشمنی و بی
علاقگی و کینه سایه می‌افکند. در روابط لطیف میان زن و مرد و در همزیستی تنگاتنگ میان
دو همسر، بخشش، چشم‌پوشی و گذشت است که جلوی پیشرفت و دشمنی‌ها را می‌گیرد
و کینه‌ها را می‌زداید و خانواده را به آرامش و سلامتی رهنمون می‌گردد. رسول خدا (ص)
می‌فرماید «تَعَاوَا تَسْقُطُ الضَّغَائِنُ بَيْنَكُمْ»؛ از یکدیگر گذشت کنید تا کینه‌های میان شما از
بین روند (المتقی الهندی، ۱۴۰۹: ج ۲، ص ۳۷۳)

هر یک از زن و مرد ویژگی‌ها، صفات و اخلاق و رفتار خاص خود را دارد و بدان‌ها خو
کرده است و اگر هریک بخواهد دیگری را با تحمیل و فشار و اکراه و اجبار به تغییر یا ترک
آن‌ها وادارد، جز کشمش و گلایه و دلگیری ثمری ندارد اینجاست که لازم می‌آید با بخشش
و گذشت راه مناسب را یافت و به تدریج به اشتراک و همدلی و همراهی دست یافت. با
این نگاه می‌توان ظرفیت بخشش و گذشت را در خود افزون ساخت و زمینه سلامت و عزت
خود، و کمک به شریک زندگی در اصلاح خودش را فراهم نمود. و رسول خدا پیروان خود
را به این‌گونه زیستن فراخوانده است؛ «عَلَيْكُمْ بِالْعَفْوِ فَإِنَّ الْعَفْوَ لَأَيِّدُ الْأَعْزَاءَ فَتَعَاوَا يُعِزُّكُمْ
اللَّهُ» بر شما باد گذشت؛ زیرا که گذشت جز بر عزت بنده نمی‌افزاید پس از یکدیگر گذشت
کنید تا خداوند شما را عزت بخشد (کلینی، ۱۳۶۵: ج ۲، ص ۱۰۸) در روابط دو همسر،
اختلاف نظر بگو مگویی‌های پیش می‌آید که اگر قرار باشد بخشش و گذشت پیش نیاید و

کدورت‌های پیش آمده را نشوید و زن و مرد مسائل پیش آمده را در دل و ذهن خود نگه‌دارند و پیوسته با آن‌ها کلنجار بروند و رشدشان دهند به سلامت جسم خود آسیب می‌زنند و روح خود را می‌خراشند و سلامت روابط خانوادگی را می‌گیرند و زندگی را تیره می‌سازد و این آسیب‌ها بر جسم و روح عمر را می‌کاهد و رسول خدا (ص) می‌فرماید: «مَنْ كَثُرَ عَفْوُهُ مَدَّ فِي عُمُرِهِ»؛ کسی که عفویش افزون گردد عمرش طولانی می‌گردد. (کراچکی، ۱۴۱۰: ج ۱، ص ۱۳۵)

۶. لوازم و آداب بخشش و گذشت

بخشش و گذشت در زندگی خانوادگی مبتنی بر لوازمی است که پیوسته باید به آن‌ها توجه داشت که عبارت‌اند از:

۱-۶. پوزش خواهی و پوزش پذیری

از عوامل تقویت کننده بخشش و گذشت است و انسان اگر به خطا و اشتباه خود پی ببرد و باید زود از آن پوزش بخواهد و درصدد اصلاح آن برآید. نه کسی که بر اشتباه خود پافشاری می‌کند و به هر دلیلی از خطا و اشتباه خود پوزش نمی‌خواهد. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْعَفْوُ عَنِ الْمُقْرُ عَنِ الْمُصْرِ»؛ بخشش در مورد اقرار کننده است نه پافشاری کننده بر خطا (مجلسی، ۱۴۰۴: ج ۷۵، ص ۸۹) بنابراین لازم است زن و مرد در صورت اشتباه و تضییع حقوق پوزش بخواهند و پوزش یکدیگر را قبول نمایند چرا که مقتضای خردورزی است. زن و مرد نباید از پوزش خواستن احساس شرمندگی کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: «الْمَعَذِرَةُ بُرْهَانُ الْعَقْلِ»؛ پوزش خواهی دلیل خردمندی است (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۴۷) زن و مرد لازم است به یکدیگر فرصت پوزش خواهی بدهند و این به معنای گشودن، راه

اصلاح و سازگاری در روابط میان آن دو است و به تقویت محبت بین آن‌ها کمک می‌کند. واکنش سریع نسبت به خطاها و اشتباهات و بستن راه پوزش‌خواهی خلاف تدبیرمندی در زندگی است. نکته‌ی اساسی در این موارد این است که بین انجام اشتباه و پوزش‌خواهی و پوزش‌پذیری نباید فاصله‌ی زیادی بیافتد چرا که ممکن است به کینه‌توزی یا اصرار بر اشتباه و دیگر رذایل اخلاقی بیانجامد. زن و مرد نباید از پوزش خواستن احساس شرمندگی کنند و آن را بر خود سخت ببینند؛ در هر حال هنگامی که زن یا مرد پوزش می‌خواهد لازم است که همسرش پذیرای پوزش‌خواهی او گردد. در آموزه‌های دینی هم بر پوزش‌پذیری تأکید شده است امام علی (ع) می‌فرماید: «هر کس پوزش را نپذیرد، هر چه پوزش‌خواه راست بگوید یا دروغ، به شفاعت من دست نیابد» (شیخ صدوق، ۱۳۷۸: ج ۴، ص ۳۵۳)

۲-۶. پرهیز از قهر کردن

لازمه عفو، بخشش و گذشت، پرهیز از گسستن و قهر کردن است. اینگونه واکنش حاصل ناتوانی در رویارویی با اختلاف‌ها و مشکلات زندگی و نوعی جدال و درگیری است. وقتی راه‌های خردمندانه چون گفتگو، پوزش‌خواهی و پوزش‌پذیری و ترمیم حقوق، بسته می‌گردد. راه‌های پرخاشگرانه به روی زن و مرد گشوده می‌شود و از جمله این راه‌ها قهر کردن و دوری گزیدن است. در آموزه‌های دین قهر کردن و دوری گزیدن، رفتاری ناپسند است به ویژه آنکه در روابط دو همسر باشد و این امر چندان زشت تصویر شده است که در بیان پیامبر اکرم (ص) آمده است: «هَجْرُ الْمُسْلِمِ أَخَاهُ كَسْفِكَ دَمِهِ»؛ قهر کردن مسلمان با برادرش، مانند ریختن خون اوست (المتقی الهندی، ۱۴۰۹، ج ۹، ص ۳۲)

پیشوایان دین با چنین تعبیری به پرهیز از قهر کردن و دوری گزیدن، فراخوانده‌اند و این که باید هنگام بروز اختلاف و مشکل در پی راه‌حلی مسالمت‌آمیز بر مبنای بخشش و گذشت

برآمد و روابط خانوادگی را با رفتارهای خصمانه آسیب نزد. و امام علی (ع) در سفارشی آمده است: «عَلَيْكُمْ بِالتَّوَّابِلِ وَالْمُؤَافَقَةِ وَ اَيَّاكُمْ وَ الْمُقَاتَعَةَ وَ الْمُهَاجِرَةَ»؛ بر شما باد ایجاد ارتباط و آشتی با یکدیگر و زهار از قطع رابطه و قهر کردن از یکدیگر (تیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۴۳۷)

رسول خدا همسران را به راه‌حل‌های خردمندانه هنگام روی آوردن اختلاف و مشکل سفارش می‌کرد و از قهر کردن با هم سخت پرهیز می‌داد و فرمودند: «أَنْتِي لَأَبْغَضُ الْمَرَأَةَ تُخْرَجُ مِنْ تَجْرُ ذَيْلُهَا تَشْكُوُ زَوْجَهَا»؛ بی‌گمان من زنی را که از خانه خود دامن‌کشان برای شکایت از شوهرش بیرون شود، دشمن می‌دارم (المتقی الهندی، ۱۴۰۹: ج ۱۶، ص ۳۶۲) و اگر شریک زندگی انسان بدین سمت رفت، آنان واکنشی همانند او انجام ندهند و با رفتار عاقلانه اختلاف و مشکل را حل کنند.

۳-۶. نفی کینه‌توزی

کینه به دل گرفتن و امکان رشد دادن به کینه‌ها، از جمله مواردی است که به شدت بخشش و گذشت و سازگاری در زندگی خانوادگی را مورد آسیب قرار می‌دهد و ترمیم روابط نیکوی زناشویی را سخت ناممکن می‌سازد لذا رسول خدا می‌فرماید: «تَسَاقَطُوا الضُّعَائِنَ»؛ کینه‌ها را دور بریزید (المتقی الهندی، ۱۴۰۹: ج ۳، ص ۴۶۵)

اگر در زندگی خانوادگی و مسائل میان زن و مرد، کینه بروید و اهمتامی صورت نگیرد، موجب بیماری دل شخص کینه‌توز شده و به واسطه آن راحتی و آسایش و آرامش خویش و خانواده و اطرافیان خود را سلب می‌کند و سبب آزار دیگران و بر باد دهنده زندگی‌ها شده و هرگونه آرامش و آسایش را در زندگی زایل می‌کند و بیشتر و بیشتر از دیگران، شخص

کینه‌توز را مورد آزار و اذیت و آسیب قرار داده و او را تباه می‌سازد پس خردمندی اقتضا می‌کند به هیچ امکانی برای ورود کینه به دل را فراهم نکند

و در آخر اینکه کینه‌توزی برای چه؟ زندگی پر مسالمت‌آمیز و پر از بخشش و گذشت ارزش آن را ندارد که کینه‌توزی نکنیم و امام علی می‌فرماید: «الْدُّنْيَا أَصْغَرُ وَ أَحْقَرُ وَ أَنْزَرُ مَنْانَ تُطَاعَ فِيهَا أَلَّا حَقَّادُ»؛ دنیا کوچک‌تر و پست‌تر و کم‌ارزش‌تر از آن است که در آن از کینه‌ها پیروی می‌شود (تمیمی آمدی، ۱۳۶۶: ص ۱۴۲)

۷. شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی والدین و فرزندان

۷-۱. حقوق و نیازهای والدین نسبت به فرزندان

مهم‌ترین رابطه‌ای که ممکن است بین دو انسان تحقق پیدا کند رابطه فرزند با پدر و مادر است که نمایانگر وابستگی وجود فرزند به وجود والدین او است. در اینجا نمی‌توان رابطه‌ی متقابل را ملاک ارزیابی افعال و رفتار آن‌ها با یکدیگر قرار داد؛ زیرا هیچ‌گاه فرزند قادر نیست، بر پدر و مادر خود تأثیر داشته باشد، مانند تأثیری که پدر و مادر در پیدایش فرزند خود دارند و وجود فرزند به وجود والدین خود بستگی دارد ولی وجود پدر و مادر هیچ بستگی به وجود فرزندانشان ندارد.

بنابراین رابطه فرزند با پدر و مادر خود را نمی‌توان بر اساس قاعده‌ی عدل و قسط ارزش‌یابی کرد، زیرا اساس عدل و قسط بر این است که دو نفر یا بیشتر، با هم روابط متقابل، و در نتیجه حقوق و تکالیف متقابل داشته باشند. و هر جا حق و تکلیف متقابلی مطرح باشد، یک نوع تأثیر و تأثر متقابل نیز وجود دارد اما تأثیری که پدر و مادر در به وجود آمدن فرزند خود

دارند به‌هیچ‌وجه برای فرزندان نسبت به پدر و مادر خویش جبران‌پذیر نیست، از این روست قرآن کریم پیوسته احسان به پدر و مادر را توصیه می‌کند. حق پدر و مادر بر فرزندان چنان بزرگ است، که همانندی در سایر افراد جامعه ندارد.

البته ممکن است پدر مادر، غیر از حق پدر و مادری حقوقی دیگر نیز بر فرزند پیدا کند که در سایر افراد جامعه همانند داشته باشد، اما اصل حقوق پدری و مادری در جایی دیگر یافت نمی‌شود از این روست که وظایف و تکالیف فرزند نسبت به پدر و مادر در جایی دیگر نظیر ندارد (مصباح یزدی، ۱۳۸۸: ج ۳، صص ۵۶-۵۷)

حقوق والدین بر فرزندان و وظایف فرزندان نسبت به والدین و احسان به آنها از جمله مسائلی است که در قرآن کریم تأکید بسیار شده است و با تعبیرات جالبی که دارد اهمیت آن را می‌رساند تا جایی که در چهار مورد پس از توحید قرار گرفته و هیچ چیز دیگری در بیان خداوند اینگونه مورد تأکید واقع نشده است: «وَ إِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَ بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» (بقره / ۸۳) «و چون از فرزندان بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را نپرستید و به پدر و مادر خود احسان کنید»

از این تعابیر مکرر استفاده می‌شود که میان پرستش خدا و احسان والدین ارتباطی عمیق و پیوندی محکم برقرار است و بی‌گمان بزرگترین نعمت، نعمت هستی و حیات است که در درجه‌ی نخست از ناحیه‌ی خداست و در مجرای قانون‌مندی الهی به پدر و مادر ارتباط می‌یابد و فرزند بخشی از وجود والدین است و سستی در ادای حقوق آنان و ترک وظایف فرزندی نسبت به ایشان، همدوش و همتای شرک به خداست (مکام شیرازی، ۱۳۷۴: ج ۳، ص ۳۷۹)

آیات گفته شده از احسان مطلق سخن گفته و احسان خاصی را مطرح نکرده، بنابراین هر نوع احسانی را شامل می‌شود؛ اما در آیه‌های دیگر و روایات متعدد، احسان خاصی را می‌بینیم و مصادیق آن را مشاهده می‌کنیم که می‌توان آن را به دو دسته تقسیم کرد:

○ احسان در روابط کلامی و گفتاری

○ احسان در روابط غیرکلامی و رفتاری

که از حوصله این مقاله خارج است و پژوهشی دیگر را می‌طلبد.

در پایان بحث به نکاتی اشاره می‌شود که در اینجا آن‌ها را متذکر مشویم:

۱. وظایف فرزندان نسبت به والدین دارای تقدس می‌باشد به گونه‌ای که رسول خدا

(ص) می‌فرماید: «رَضِيَ الرَّبُّ فِي رِضَى الْوَالِدَيْنِ وَ سَخَطُ الرَّبِّ فِي سَخَطِ الْوَالِدَيْنِ»؛ رضایت خداوند بر سایه‌ی رضایت والدین و خشم و ناخشنودی پروردگار در اثر نارضایتی والدین است. (نوری، ۱۳۶۸: ج ۱۵، ص ۱۷۴)

۲. گستردگی وظایف فرزندان، نسبت به والدین در همه زندگی تا پایان عمر و حتی پس از مرگ آن‌هاست لذا رسول خدا می‌فرماید: «سَيِّدُ الْأَبْرَارِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ بَرٌّ وَالِدِيهِ بَعْدَ قَوْتِهِمَا»؛ آقای نیکوکاران در روز قیامت مردی است که بعد از درگذشت پدر و مادر خود به آنان نیکی کند (مجلسی، ج ۷۱، ص ۱۱۴)

۳. قرآن کریم ضمن تأکید بر بزرگی حق والدین و جبران آن، زحمت‌های جبران‌ناپذیر مادر را گوشزد می‌کند و می‌فرماید: «وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَامَيْنِ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ» (لقمان/ ۱۴) «ما به انسان سفارش پدر و مادرش را کردیم. مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی تحمل کرد و دوران شیرخوارگی او دو سال به طول انجامید. شکر مرا

به‌جا آور و سپس از پدر و مادرت سپاسگزاری کن که بازگشت شما به سوی

من خواهد بود»

در سه مورد یاد شده در مورد احترام به حق والدین سفارش می‌کند ولی در آیه‌هایی نظیر (لقمان/ ۱۴) همگی یادآور زحمت‌هایی است که مادر در دوران بارداری، شیردهی و پرورش فرزندان است، می‌کشد.

درد و رنج‌هایی که مادر در تربیت فرزند خود می‌کشد هم محسوس‌تر و ملموس‌تر است و در مقایسه با زحمات پدر اهمیت بیشتری دارد و به همین خاطر در روایات و قرآن حق مادر از حق پدر بیشتر است. در حدیث از امام سجاد (ع) در مورد ویژگی برتر مادر و زحمات خاص او بر فرزند می‌فرماید: «أَنْ تَعْلَمَ أَنَّهَا حَمَلَتْكَ حَيْثُ لَا يَحْمِلُ أَحَدًا وَ أَعْطَتْكَ مِنْ ثَمَرَةٍ قَلْبَهَا مَا لَا يُعْطَى أَحَدٌ أَحَدًا...»؛ باید بدانی مادر تو را در جایی حمل کرد که هیچ‌کس دیگر را در آنجا نگه نمی‌دارد و از شیرهای جاننش به تو غذا داد که به کسی دیگری نمی‌دهد و از تو با همه وجودش از گوش و چشم و دست و پا و موی و پوست با شادمانی و سرور نگرهبانی و نگهداری کرده، ناملایمات غم و اندوه را تحمل می‌کند و شادان و خرم است که تو را سیر بنماید و خود گرسنه بماند، تو را بپوشاند و خودش برهنه باشد، تو را سیراب کند در حالی که خودش تشنه باشد، خود در آفتاب باشد و بر تو سایه افکند و... پس باید به خاطر این همه نعمت شکر گذار او باشی و هرگز نمی‌توانی مگر اینکه خدا یاری‌ات کند (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ص ۲۶۳) و در مجموع مسئولیت فرزندان نسبت به مادر بیشتر است چرا که دارای مقام و منزلتی بالا در نزد خدای متعال است. چنانکه در حدیثی از رسول خدا آمده است: که اگر مشغول نماز مستحبی بودی و پدرت صدایت می‌کرد حق نداری نمازت را بشکنی ولی اگر مادر صدایت کرد می‌توانی نمازت را بشکنی و او را اجابت کنی (دلشاد، ۱۳۸۳: ص ۲۵).

۸. حقوق و وظایف والدین به فرزندان

والدین نیز نسبت به فرزندان خود وظایفی دارند که باید آن‌ها را ادا کنند تا هم باعث سعادت و خوشبختی فرزندان خود شوند و واجبی که بر او ادا شده است را به سرانجام برسانند. والدین وظایفی که نسبت به فرزندان خود دارند باید به نحو احسن انجام دهند

والدین بر حسب نظام طبیعت، عامل مؤثر برای به فعلیت رساندن رسیدن قوه‌ها و استعدادها، در نطفه، جنین و وجود طفل‌اند.

در میان وظایف پدر و مادر نسبت به فرزندان، نقش مادر به مراتب مهم‌تر از، نقش پدر است. او ماه‌ها طفل را در رحم با شیره جانش، و بعد از تولد ماه‌ها با مجرای سینه‌اش که کانون عشق و عطف است پرورش می‌یابد و از آن پس نیز همواره هستی‌اش را برای هستی فرزند خود می‌خواهد. پدر و مادر وظیفه دارند که با رعایت قوانین بهداشتی، جسم و محیط زندگی خود را سالم نگه دارند، زیرا اگر آن‌ها محیط زندگی توأم با آلودگی جسمی و روحی داشته باشند فرزند خود را گرفتار خطرات مهلکی می‌کنند، و علاوه بر غم و اندوهی که بر پدر و مادر وارد می‌شود و اگر تقصیر از آنها باشد، مورد مجازات و مواخذه الهی نیز می‌شوند.

والدین نیز هر کدام وظیفه‌ای در قبال فرزند خود دارند برای مثال در سخنی از امام علی (ع) وظیفه پدر را این‌گونه تشریح می‌کند: «حق فرزند بر پدر این است که نام نیکو برای او بگذارد، خوب تربیتش کند، و به او قرآن بیاموزد». (نهج البلاغه، حکمت ۳۳۹)

آیات متعددی از قرآن کریم که نسبت به حقوق فرزندان بر والدین را به صراحت اشاره می‌کند می‌پردازیم:

- أ. همه‌ی فرزندان هدیه خدا هستند و باید خدای رزاق را بدین جهت شکر کنیم: «وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ» (شوری / ۴۹) «خداوند به هر کس بخواهد دختر هدیه می‌دهد و به هر کس بخواهد پسر می‌بخشد.»
- ب. وظیفه مادر در شیردادن به نوزاد تا دو سال: «وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ» (بقره / ۲۳۳) «مادران فرزندان خود را به مدت، دو سال تمام شیر بدهند.»
- ت. مراقبت بر نماز خواندن: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا» (طه / ۱۳۲) «خانواده خود را به نماز فرمان ده و خود بر آن شکیبایی باش»
- ث. اصلاح و رشد و گرایش‌های اعتقادی فرزند با پند و اندرز؛ که در قصه حضرت لقمان به خوبی دیده می‌شود که حضرت لقمان برای فرزندش نکات مهم و کلیدی درباره توحید و معاد بیان می‌کنند: «وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ» (لقمان / ۱۳) «و لقمان به پسرش گفت - و او را پند می‌داد- که: ای پسرک من، به خدا شرک میاور، زیرا شرک ستمی است بزرگ»
- ج. آموزش احکام شرعی: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ» (لقمان / ۱۷) «ای پسرک من، نماز بگذار، و امر به معروف و نهی از منکر کن و بر هر چه بر تو رسد صبر کن که این از کارهایی است که نباید سهلش انگاشت.»
- ح. دعای خیر در حق فرزندان: دعای پدر و مادر در حق فرزندان مستجاب می‌شود و بنابر روایات متعدد، خداوند با دعای والدین گناهان بسیاری از فرزندان را می‌بخشد. و والدین نیز موظف‌اند در صورت مشاهده آثار پشیمانی در فرزند خود طلب استغفار برای آن‌ها کنند.

خ. آموزش رفتارها و روحيات صحيح اخلاقي؛ که در سوره‌ی لقمان آیات ۱۸ و ۱۹ به خوبی آن را نشان می‌دهد: «وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا... وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ وَاعْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ...» (لقمان / ۱۸-۱۹) «نسبت به مردم بی اعتنا نباش و از آنان روی مگردان و مغرورانه بر روی زمین راه مرو و در راه رفتن اعتدال را رعایت کن و در سخن گفتن نیز اعتدال را رعایت کن و بلند حرف مزن»

د. پرهیز از افراط در محبت: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ» (منافقون / ۹) «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اموال و اولادتان شما را از ذکر خدا به خود مشغول ندارد، که هر که چنین کند زیانکار است.» آیه در مورد علاقه زیاد به مال و فرزند که باعث از بین رفتن یاد خدا می‌گردد و خداوند بر آن حذر داده است.

ذ. توجه به آینده و امنیت فرزندان: «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم / ۳۵) «و ابراهیم گفت: ای پروردگار من، این سرزمین را ایمن گردان و مرا و فرزندانم را از پرستش بتان دور بدار؛ این آیه نگرانی حضرت ابراهیم را از آینده فرزندانش و امنیت آنها را بیان می‌کند و وی برای فرزندان امنیت و سلامتی جسمی و روحی و اخلاقی درخواست می‌کند و از دیگر وظایف والدین نسبت به فرزندان «انتخاب نام نیکو - پذیرش قول و تعهد فرزندان (یوسف / ۱۴ و ۶۶) - مشورت با فرزندان و توجه به دیدگاه‌های آنان (قصص / ۲۶) - وجود حفظ جان فرزند و حرمت کشتن او به علت فقر (اسراء / ۳۱) - تلاش برای حفظ جان فرزندان (هود / ۴۲) و...»

این‌ها فقط گوشه‌ای از وظایف والدین نسبت به فرزندان خود هستند که به صورت اجمالی از منظر قرآن کریم و احادیث اهل بیت بهره برده شده است.

نتیجه‌گیری

در این تحقیق که تحت عنوان شاخص‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی خانوادگی از منظر قرآن کریم انجام گرفته است نخست به ضرورت و اهمیت پرداخته شده و روشن شده در روزگاری که مکاتب مختلف با در اختیار گرفتن رسانه‌های ارتباط جمعی درصدد تحمیل دیدگاه خود به عنوان سبک زندگی برتر هستند بررسی دیدگاه اسلام امری مهم و ضروری است. و در ادامه شاخصه‌های سبک زندگی خانوادگی تبیین گردید و روشن شده است که در زندگی خانوادگی به سبک اسلام، همسران باید دارای مودت و رحمت در رفتار و گفتار باشند و با نیک رفتاری و سازگاری در کنار یکدیگر به تأمین حقوق و نیازهای مادی و روحی یکدیگر بپردازند و در امور مختلفی که پیش رو دارند به مشورت با یکدیگر ارج نهند تا فضای خانواده همچنان گرم و صمیمی باقی بماند و از هرگونه خشونت، چه خشونت گفتاری و چه خشونت رفتاری بر حذر باشند تا محیطی سرد و رنج‌آور را در کنار هم تجربه نکنند. همچنین همکاری همسران در امور داخلی منزل و با توجه به توانایی‌ها، یاری کردن همسر در کارهای خانه از جمله شاخصه‌های مهم در بین همسران در محیط خانواده است. و در ادامه شاخصه‌های حل اختلاف مورد بررسی قرار گرفته و پس از تبیین عوامل اختلاف از دیدگاه قرآن، شیوه‌های حل اختلاف از منظر آیات قرآن تبیین شده است و روشن گردیده که همسران در بروز اختلاف با مشاوره، پذیرش مرد به عنوان مسئول و سرپرست خانواده، کنار آمدن با یکدیگر و گذشت از برخی خواسته‌های شخصی خویش و صلح و سازش می‌توانند به اختلافات خانوادگی خاتمه دهند و در صورت بالاگرفتن درگیری‌های با دعوت

افراد دلسوز و بزرگان طرفین دعوا جهت حکمیت از نظرات آنها در پایان بخشیدن به کشمکش‌ها بهره‌گیرند تا کار به طلاق و جدایی نکشد البته در صورت نرسیدن به توافق قرآن کریم نیز آداب و شاخصه‌هایی را بیان کرده که به اجمال مورد بررسی قرار گرفته است. و در ادامه مباحث: شاخصه‌ها و مؤلفه‌های سبک زندگی والدین و فرزندان نتیجه می‌گیریم که والدین و فرزندان دارای حقوق و وظایفی هستند که از مهم‌ترین حقوق والدین، احسان و اطاعت از آنان می‌باشد که با رعایت آنها نظم خوبی در خانواده حاکم خواهد شد. و مهم‌ترین حق و نیاز فرزندان که سایر حقوق و نیازها را تحت شعاع قرار می‌دهد و رعایت دیگر حقوق آنها در جهت رسیدن به آن است حق تربیت صحیح می‌باشد، و خانواده‌ها با عمل به آنها در تربیت کودک خویش با مشکلات کمتری روبه‌رو خواهد شد، عوامل زیادی در تربیت صحیح فرزندان مؤثر است از جمله: توارث و خصوصیات جسمی و روحی پدر و مادر، زمان، مکان، رفتار و حالات زوجین در هنگام انعقاد نطفه، شیوه بارداری، تولد و شیردهی، نقش محبت به کودک و آموزش مهارت‌های مختلف زندگی به نوجوانان که در این بحث به موارد ۸ گانه آموزشی اشاره شده است که با عمل بر طبق آنها فرزندان به رشد مادی و معنوی خواهند رسید. و در ادامه به دوران جوانی و نیاز مهم آن که ازدواج است پرداخته شد و ملاک‌های آن بیان شده است، که توجه به آنها از اختلافات خانوادگی در آینده پیشگیری کرده و یا آنها را کمتر می‌کند و در پایان نکات سه‌گانه‌ای مطرح شد که در طول مراحل مختلف تربیت کودک به سبک دین حائز اهمیت است.

منابع

۱. قرآن کریم
۲. نهج البلاغه، امام علی ابن ابیطالب (علیه السلام)، قم: انتشارات دار الهجر.
۳. ابن ادريس حلی، ابو جعفر محمد (۱۴۱۰) السرائر الحاوی لتحرير، قم: موسسه النشر الاسلامی.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن (۱۴۰۴) تحف العقول، قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۵. ابن فراس حلی، ورام (بی تا) تنبيه الخواطر و نزاهه النواظر، قم: انتشارات مکتب الفقیه
۶. تمیمی آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶) غرر الحکم و درر الکلم، قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی.
۷. حسین بن محمد، راغب اصفهانی (۱۳۸۳) المفردات فی غریب القرآن، تهران: انتشارات المکتبه المرتضویه لآثار الجعفریه.
۸. دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۳) سیری در تربیت اسلامی، تهران: انتشارات دریا.
۹. شهید ثانی (۱۴۱۵) مسکن الفواد، قم: انتشارات کتابخانه بصیرتی.
۱۰. شیخ صدوق (۱۳۷۸) عیون الاخبار الرضا (ع)، تهران: انتشارات جهان.
۱۱. الصحیفه السجادیه، علی بن الحسین (ع) (۱۳۷۶) ترجمه و شرح فیض، تهران: فقیه.
۱۲. طبرسی، حسن بن فضل (۱۳۷۰) مکارم الاخلاق، قم: نشر رضی.
۱۳. عابدی، حسین (۱۳۸۴) آیه مودت، قم: انتشارات مرکز جهانی علوم اسلامی.
۱۴. علامه مجلسی، محمدتقی (۱۴۰۴)، بحار الانوار، بیروت: موسسه الوفاء.
۱۵. کراجکی، ابوافتح (۱۴۱۰) مجمع الزوائد و منبع الفوائد، قم: انتشارات دار الذخائر.
۱۶. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵) الکافی، تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۱۷. المتقی الهندی (۱۴۰۹) کنز العمال، بیروت: موسسه الرساله.

۱۸. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۸) اخلاق در قرآن، قم: انتشارات موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴) تفسیر تطبیقی، تهران: دارالکتب اسلامی.
۲۰. نوری، میرزا حسین محدث (۱۳۶۸) مستدرک الوسائل، قم: مؤسسه آل بیت (ع).



Abstract**Components of an Islamic Lifestyle from the Perspective of the Holy Qur'an**

In this research, the most important characteristics of family lifestyle from the point of view of the Holy Qur'an are investigated. The first section deals with the characteristics of the lifestyle of the spouses. It has been determined that the lifestyle of Islam is for wives with characteristics such as Kindness, Good behavior, Ordinary rights And supplying needs, Understanding, Agreement, Consult, Patience, Forgiveness, Family co-operation, Ignoring violence. In the middle section, the components of the style of solving family disputes from the point of view of the Holy Qur'an are examined And pointed to the disagreement seasons like a grouch, Magic, Disobedience, Jealousy, And the solutions and explained the Holy Qur'an and Ahlul-Bayt (PBUH) idea for solving them. Then the lifestyle components of parents and children and the rights and needs of parents are taken into account in various aspects. And then the most important needs and rights of children, such as The right to appropriate training at different stages of life. And in the final chapter, the relationship with relatives and its examples are discussed.

Keywords: Lifestyle, Family, Wives, Parents, Children, Relatives, Dispute Resolution



مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی